

تاریخ معاصر ایران

ایل بختیاری

چارلز الکساندر گالت و دیگران

به ترجمه و کوشش
کاوه بیات و محمود طاهراحمدي



تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران-۴۵

انتشارات شیرازه کتاب ما



مرشناسه	بیات، کاوه - ۱۳۳۳ گردآورنده، مترجم
هنوان و نام پدیدآور	ایل بختیاری / چارلز الکساندر گالت و دیگران؛ به ترجمه و کوشش کاوه بیات، محمود طاهر احمدی
مشخصات نشر	تهران: شیرازه کتاب ما ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	هـ، ۲۹۷ ص: جلدول، نمودار: ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س م
فروس	مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۴۵
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۲۳-۲
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	بخش اول کتاب حاضر ترجمه گزارشی با عنوان The Bakhtiari Tribe که توسط الکساندر گالت نوشته شده است
یادداشت	نمایه
موضوع	بختیاری (خاندان)
موضوع	بختیاری — سرگذشتنامه Bakhtiari (Iranian People)—Biography
شناسه افزوده	طاهر احمدی، محمود، گردآورنده، مترجم
شناسه افزوده	گالت، چارلز الکساندر
رده بندی کنگره	DS۷۲
رده بندی دیویی	۹۵۵/۹۷۶
شماره کتابشناسی ملی	۵۸۸۴۶۶۵



ایل بختیاری

نویسنده: چارلز الکساندر گالت و دیگران
ترجمه و کوشش: کاوه بیات و محمود طاهر احمدی
انتشارات: شیرازه کتاب ما
چاپ و صحافی: پردیس دانش
تیراژ: ۵۵۰ نسخه
چاپ اول: شهریور ۱۳۹۹
حق چاپ و نشر محفوظ است
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است
تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵
تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱
همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲
سایت: www.shirazhketab.com

ایل بختیاری

چارلز الکساندر گالت و دیگران

به ترجمه و کوشش

کاوه بیات و محمود طاهر احمدی

فهرست مطالب

مقدمه سه تا شش

کتاب اول:

ایل بختیاری / سی. ای. گالت ۱-۱۲۸

کتاب دوم:

دفتر سجلاتی عشایر منطقه لشکر ۹، اصفهان / رکن دوم ۱۲۹-۲۶۲

فهرست اعلام

اشخاص ۲۶۵

اماکن ۲۸۴

ایلات، طوایف و تیره‌ها ۲۹۲

مقدمه

با پیش آمد واقعه سوم شهریور ۱۳۲۰ و فروپاشی نظام رضاشاهی، ایل بختیاری نیز مانند پاره‌ای از دیگر ایلات ایران که به رغم سیاست‌های سرکوب سیاسی و اسکان اجباری دوره قبل، هنوز رمقی در جان داشتند، برای اعاده حداقلی از موجودیت پیشین خود پا پیش گذاشته، رشته تحرکاتی را در عرصه سیاسی کشور آغاز کرد که دوگزارشی که در این مجموعه ارائه می‌شود، یادگار آن دوره است.

کتاب نخست ترجمه متن گزارش منتشر نشده‌ای است که چارلز الکساندر گالت کنسول دولت بریتانیا در اصفهان در مورد ایل بختیاری که در آن در کنار ارائه شرحی کوتاه از جغرافیای سیاسی و تاریخ معاصر بختیاری، مواردی چون موقعیت سیاسی و نظامی ایل که در آن دوره موضوع توجه و نگرانی مقامات بریتانیا قرار داشت نیز بحث شده است.^۱

کتاب دوم، شرح حال مختصری از شخصیت‌های ایلی و سیاسی بختیاری نیز از خصوصیات مشابهی برخوردار است؛ آن را نیز می‌توان حاصل یک دوره از توجه و نگرانی مقامات نظامی ایران نسبت به تحولات جاری در بختیاری دانست. در این کتابچه که از سوی رکن دوم لشکر ۹ (اصفهان) تدوین شده است «وضعیت سوابق و تاریخیچه زندگی» صد و بیست و نه نفر از سران ایل بختیاری ثبت شده است.^۲

۱. مشخصات اصلی رساله:

The Bakhtiari Tribe. (Confidential), C.A. Gault., His Majesty's Consul at Isfahan, 1944, 63pp.

که به شماره ذیل در مجموعه اسناد دیوان هند - I.O.R. - نگهداری می‌شود:

L/P&S/12/3546

۲. دفترچه‌ای به قطع رقمی در ۱۳۷ صفحه از مجموعه اسناد وزارت دارایی که به شماره

اگرچه هر یک از این گزارش‌ها - چنان‌که در ادامه این یادداشت اشاره خواهد شد - کاستی‌های خود را دارند ولی از آنجایی که از تحولات یک دوره متأخر از تحرکات ایلی بختیاری سخن می‌گویند که در مورد آن هنوز آگاهی درخور توجهی در دست نیست، انتشار آن‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

«ایل بختیاری» الکساندر چارلز گالت را می‌توان یکی از آخرین آثار و نمونه‌های سستی نسبتاً دیرینه از تلاش پاره‌ای از مقامات سیاسی و نظامی بریتانیا دانست در ثبت و ضبط اطلاعات و تجاربشان در حوزه‌های ماموریتی آن‌ها؛ سستی که در این حوزه بخصوص، یعنی در مناطق جنوب غرب ایران و به ویژه منطقه بختیاری، نام‌آورانی را در خود دارد همچون سرهنگری لایارد، میجر هنری راولینسون، جان گوردون لوریمر، سی. جی. ادموندز و بالاخره از همه مهمتر سرآرنولد ویلسون که از هریک گزارش‌های ارزشمندی در توضیح تاریخ و جغرافیای این حوزه برجای مانده است.^۱

با آن‌که «ایل بختیاری» الکساندر چارلز گالت در مقایسه با پاره‌ای از آثار نسل پیش گفته، گزارش چندان پر و پیمانی به نظر نمی‌آید ولی با این حال اطلاعات ارائه شده در این رساله در مور وضعیت عمومی ایل بختیاری در این سال‌ها، اطلاعات جامعی است.^۲ بخشی از پیوست‌های آن که به معرفی طوایف و تیره‌های دو قسمت هفت لنگ و چهارلنگ و تعداد تقریبی افراد هر یک اختصاص دارد در کنار معدود داده‌های موجود از نفوس و تقسیم بندی‌های ایلی بختیاری در آن دوره می‌تواند^۳ به کار پژوهشگران آید و بخشی دیگر از این

→

۲۴۰ در سازمان اسناد ملی ایران محفوظ می‌باشد.

۱. برای آگاهی از مشخصات این آثار بنگرید به کتابشناسی اثر ذیل:

Gene R. Garthwaite. *Khans and Shahs, A Documentary Analysis of the Bakhtiary in Iran*, Cambridge University Press, London, 1983.

۲. احتمالاً پیش آمد یک دوره نسبتاً طولانی از محدودیت رفت و آمد مقامات و مأمورین دولت بریتانیا به مناطق داخلی ایران، به گونه‌ای که در دوره پادشاهی رضاشاه شاهد آن بودیم - در قیاس با آزادی عمل آن‌ها در دوره پایانی قاجار - در این آفت نسبی موثر بوده است.

۳. برای مثال بنگرید به سرلشکر علی رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران (اصفهان و بختیاری)،

پیوست‌ها که به معرفی شجره‌نامه خاندان‌های حاکم بر ایل مربوط می‌شود مکمل بخش دوم این مجموعه می‌باشند.

اگرچه در مقایسه با «ایل بختیاری» الکساندر چارلز گالت، «دفتر سجلاتی عشایر منطقه لشکر ۹ (اصفهان)» از جزئیات و داده‌های کم‌نظیری برخوردار است ولی همین وفور جزئیات و داده‌های فراوان، از یک جهت خود موجب دغدغه خاطر است چرا که بررسی صحت یا سقم بسیاری از این داده‌ها، حال اگر نگوییم غیرممکن، لااقل بسیار دشوار است.

عواملی چون خصوصیات نگاه حاکم بر این مجموعه، آن که نگاه نظامیان نسبت به سران بختیاری، اصولاً نگاه خصمانه‌ای است نیز بر دشواری‌های کار می‌افزاید. وفور تعبیراتی چون «شرارت» و «سرقت» و «راهزنی» در اشاره به هر فعل و انفعالی که مورد پسند نظامیان نبود و در بسیاری از موارد از مقاومت و پایداری یک نظام ایلی در برابر سیاست‌هایی حکایت داشت که بر امحاء بی‌کم و کاست آن نظام تاکید داشتند، خود یکی از نشانه‌های آشکار این دیدگاه خصمانه است. نوع خفیفی از آن را در گزارش گالت نیز می‌توان مشاهده کرد.

بخش دیگری از این دشمنی و خصومت را در نوع پرسش‌های مطرح شده در پرسشنامه اصلی «دفتر سجلاتی عشایر منطقه لشکر ۹ (اصفهان)» می‌توان مشاهده کرد. در کنار پاره‌ای از این پرسش‌ها - و طبیعتاً پاسخ‌های ارائه شده بدان‌ها - که اصولاً بی‌معنی به نظر می‌رسند^۱ پرسش دیگری نیز در این پرسشنامه مطرح شده است - پرسش شماره ۵ مبنی بر «وضع صحت مزاج و اعتیادات» - که با توجه به جنبه کاملاً شخصی و خصوصی آن، بهتر دانسته شد که در تدوین این مجموعه از درج آن صرف‌نظر شود.

برخی از دیگر پرسش‌ها را نیز به رغم صورت به ظاهر شخصی و خصوصی

→

چاپخانه ارتش، ۱۳۲۵، صص ۷۳ - ۶۸ و ۹۰ - ۸۱

۱. به عنوان نمونه می‌توان به دو پرسش ۱ و ۲ اشاره کرد - «خصوصیات انفرادی از قبیل خشونت اخلاقی یا برعکس رأفت» و یا «جنبه‌های ضعف و قوت» - که به هیچ وجه روشن نیست طرح آن دو و همچنین پاسخ‌هایی که بدان‌ها ارائه شده، بر چه معیاری استوار بوده‌اند.

آنها از آن روی آوردیم که به نظر می‌آید مبین نوعی ارزیابی سیاسی و اجتماعی از چهره‌های مورد بحث نیز می‌توانند باشند؛ برای مثال از پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌هایی چون «به چه چیز علاقمند است؛ پول یا جاه و مقام؟» به برآوردی از نوع شخصیت طرف مورد بحث نیز می‌توان دست یافت، این که آیا بیشتر اهل خطرکردن است یا آن که به احتیاط و محافظه‌کاری تمایل دارد تا صرفاً بحث «پول» یا «مقام».

در کنار این دشواری‌های محتوایی، لازم است به پاره‌ای از دشواری‌های «فنی» کار نیز اشاره شود؛ سوای چند مورد کلمات ناخوانا در بازنویسی «دفتر سجلاتی عشایر منطقه لشکر ۹ (اصفهان)» که در حواشی متن خاطرنشان شده‌اند، در ترجمه گزارش گالت تعدادی نام‌های جغرافیایی، تیره‌ها یا افراد ملاحظه شد که نسبت به ضبط صحیح آن‌ها اطمینان نبود، از این رو اصل لاتین آن‌ها در حواشی متن ثبت شد تا این موارد نیز مانند دشواری‌های «محتوایی» پیش گفته، به لطف و همراهی صاحب‌نظران محلی، تدقیق و تصحیح گردد.

در پایان لازم می‌داند از دوستان گرامی جناب آقای دکتر جن گارتویث که نسخه‌ای از گزارش الکساندر چارلز گالت را در اختیارم قرار دادند و همچنین جناب آقای محمود طاهر احمدی که در جریان یک پژوهش مشترک، رساله «دفتر سجلاتی عشایر منطقه لشکر ۹ (اصفهان)» را شناسایی و برای انتشار در این مجموعه آماده کردند، تشکر گردد.

کاوه بیات

کتاب اول

محرمانه

ایل بختیاری

سی. ای. گالت

کنسول اعلیحضرت [پادشاه بریتانیا] در اصفهان

۱۹۴۴

فهرست

۱	مقدمه
۳	فصل اول: جغرافیا
۱۱	فصل دوم: خطوط ارتباطی
۱۵	فصل سوم: تاریخ
۲۹	فصل چهارم: حکومت بختیاری
۳۱	فصل پنجم: خصوصیات
۳۷	فصل ششم: ارزش نظامی
۴۱	فصل هفتم: ارزش اقتصادی
۴۵	فصل هشتم: سازمان ایلی
۴۹	فصل نهم: خوانین
۵۵	فصل دهم: نتیجه گیری

پیوست‌ها

۵۹	۱. طوایف هفت‌لنگ
۶۹	۲. شجره‌نامه خوانین هفت لنگ
۸۹	۳. طوایف چهارلنگ
۹۹	۴. شجره‌نامه خوانین چهارلنگ
۱۰۳	۵. روابط با ایلات مجاور
۱۰۵	۶. شناسایی مسیر شلمزار به مسجد سلیمان

مقدمه

من این متن را با در نظر داشتن این فکر نوشته‌ام که براساس مقادیر قابل توجه داده‌های ثبت شده و ثبت ناشده‌ای که در دو سال گذشته توسط کنسولگری اصفهان گردآوری شده است، تصویر کم و بیش ماندگاری از ایل بختیاری ارائه گردد. هدف یک توصیف گسترده و جامع نیست بلکه ارائه شرح حتی‌الامکان فشرده و دقیقی از بختیاری امروز است به انضمام نکاتی چند دربارهٔ گذشته آن، تا آن‌هایی که میل دارند در مورد ایل بیشتر بدانند، در این امر با در دسر چندانی روبه‌رو نشوند. منابع مستندی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از «روزنامهٔ ایران»، چاپ موقت، ۱۹۱۷،^۱ ایران و مسئلهٔ ایران کرزن، ۱۸۹۰؛ «گزارش دربارهٔ بختیاری» رنکینگ، ۱۹۱۳؛^۲ گزارش‌های سالانه [سفارت بریتانیا در تهران] از سال ۱۹۰۴ به بعد در آرشیو سفارت بریتانیا در تهران؛ تاریخ ایران سایکس، چاپ دوم. افزون بر این که؛ وامدار کمک و اطلاعات صاحب‌منصبان ذیل نیز می‌باشم: فرمانده اسکاادران دات افسر رابط هوایی^۳، و نایب کنسول، اصفهان، برای قسمت‌های ایلی محمود صالح چهارلنگ و ممی‌وند چهارلنگ؛ میجر [ای. ام.] سایکس^۴، نایب کنسول، اصفهان، برای

1. Gazetteer of Persia, Provisional Edition, 1917.

2. Rankings "Report on the Bakhtiari Tribe", 1913.

3. S/ Ldr. D'eth , ALO.

4. Major [E.M.] sykes.

قسمت‌های ایلی هفت‌لنگ و محمود صالح چهارلنگ و شجره‌نامه‌های خانوادگی؛ میجر لیدبیتر،^۱ افسر رابط هوایی سلطان‌آباد، برای اطلاعات در مورد ممی‌وند چهارلنگ؛ میجر جیکاک،^۲ افسر رابط هوایی اهواز برای اطلاعات در مورد کیان ارثی چهارلنگ (جانکی گرمسیر)؛ کپتین کی اطلاعات ستاد فرماندهی^۳ تهران، برای گزارش راه بختیاری. از همکاری همگی آن‌ها متشکرم.

از نقد آرای ابراز شده و تصحیح اشتباهات توسط کسانی که در مقایسه با من موقعیت بهتری برای ابراز نظر دارند، شادمان خواهم شد. این متن بالاضطرار بیشتر از منظر اصفهان نوشته شده است
چارلز ای. گالت

کنسول اعلیحضرت [پادشاه بریتانیا] در اصفهان

کنسولگری بریتانیا، اصفهان، مارس ۱۹۴۴ / اسفند ۱۳۲۳ فروردین ۱۳۲۴.

1. Major Leadbitter.

2. Major Jeacok.

3. Captain Kay, Adv. GSI.

فصل اول

جغرافیا

حوزه بختیاری منطقه‌ای است کوهستانی در جنوب غربی ایران که در شرق با نواحی سمیرم، چهار محال و فریدن هم مرز است؛ در شمال به اشترانکوه می‌رسد؛ در غرب به راه‌آهن سراسری ایران و آب دز؛ در جنوب به دشت‌های خوزستان، منطقه بهبهان و آب خرسان. در غرب نیز به نحوی نامحسوس در مناطق عشایری لرستان ادغام شده و در جنوب شرق و جنوب نیز به حوزه‌های عشایری قشقایی و کهگیلویه. در مجموع می‌توان گفت که این منطقه در میان رشته کوه‌هایی قرار دارد که فلات مرکزی ایران را از دشت‌های حوزه فرات و دجله جدا می‌کند. جهت کلی رشته کوه‌های مختلف این منطقه از سمت شمال غرب به جنوب شرق است و این کوه‌ها نیز خود متفاوت هستند؛ از کوهپایه‌های خوزستان تا قلل مرتفع مرکز بختیاری که ۱۴۰۰۰ پا و بیشتر ارتفاع دارند. رشته زردکوه با مرتفع‌ترین بخش آن - خود زردکوه با ۱۴/۹۲۰۰ پا ارتفاع - که به قله اشترانکوه - ۱۴/۲۰۰ پا - در شمال شرق و قله‌های ۱۲۰۰۰-۱۱ پایی در جنوب شرق منتهی می‌شود، ستون فقرات این کوه را تشکیل می‌دهد. در شرق این رشته کوه ارتفاعاتی قرار دارد که کوه‌رنگ - ۱۴/۰۹۰ پا -

بلندترین نقطه آن را تشکیل و رشته ارتفاعات کوتاهتری که به چهارمحال منتهی می‌شوند، آن را دنبال می‌کند. در بخش غربی آن نیز رشته ارتفاعات پست‌تری قرار دارند که کوهپایه‌های آن‌ها نیز در نهایت به چاه‌های نفت شرکت نفت انگلیس و ایران منتهی می‌گردد. کل این منطقه وحشی و دور از دسترس است؛ راه‌های آن اندک و اکثراً مالرو می‌باشند. خود کوه‌ها نیز پرشیب و صخره‌ای می‌باشند و به دلیل سختی زمستان که باعث می‌شود بین سه تا چهار ماه منطقه را برف بپوشاند و همچنین به دلیل دشواری‌های طبیعی ناشی از سنگی و صخره‌ای بودن این حدود، سکونت دائم کم و محدود است. در واقع تا ده سال گذشته هیچ سکونتگاه دائمی وجود نداشت زیرا عشایر کوچرو فقط برای تعلیف دام‌هایشان در تابستان بالا می‌آمدند و در پاییز به سمت مناطق گرمسیری خوزستان کوه‌ها را پشت سر می‌گذاشتند. در حوزه‌هایی که در بختیاری به نام پشت کوه (اردل و ناغان) و میان کوه (ده دز و دو پلان) معروف است روستاهایی دائمی وجود دارد که ساکنینشان را بختیاری‌ها تشکیل می‌دهند و در سه دهستان یا جانکی سردسیر نیز حوزه‌هایی مسکونی وجود دارد.

از آنجایی که ارتفاعات را همیشه برف پوشانده است، آب این حوزه نیز فراوان است. دو رشته رود عمده ایران به فاصله‌ای اندک از یکدیگر از بختیاری سرچشمه می‌گیرند: کارون در زردکوه با شاخه‌هایی از کوه‌رنگ و زاینده‌رود که آن نیز از کوه‌رنگ سرچشمه می‌گیرد. کارون، مهمترین آبراه ایران به سمت غرب رفته و بعد از عبور از بخش وسیعی از بختیاری در خرمشهر به شط‌العرب می‌ریزد. زاینده‌رود در بخش به مراتب محدودتری از حوزه شرقی بختیاری و فریدن عبور کرده و به سمت شرق به طرف اصفهان رفته و در نهایت در باتلاق گاوخونی در شرق اصفهان ناپدید می‌شود.

خود کارون از چشمه بزرگی شروع می‌شود که در بخش شرقی رشته اصلی زردکوه در چند مایلی شمال قلّه اصلی آن قرار دارد. این چشمه که به نظر می‌آید مخرج نوعی دریاچه زیرزمینی باشد به صورت آبشار دوگانه‌ای که هفتاد پا ارتفاع دارد از کوه بیرون می‌زند. در سپتامبر ۱۹۴۳ / شهریور - مهر ۱۳۲۲ حجم آبی که از آن خارج می‌شد حدود ۲/۱۰۰ لیتر در ثانیه برآورد شده است. حدود دو مایلی این چشمه رشته دیگری به کارون متصل می‌شود موسوم به خوشاب که از چند چشمه در دامنه‌های جنوب غربی کوه‌رنگ در چند مایلی شمال شرق و همچنین از یکی دو چشمه دیگر زردکوه در حوالی قلّه هفت تنان سرچشمه می‌گیرند. در ملتقای این دو شاخه که در تنگه‌ای واقع در بستر دره اصلی قرار دارد بقایای سدی دیده می‌شود که در زمان شاه عباس احداث شده ولی احتمالاً هیچ‌گاه به پایان نرسیده بود. هدف از احداث این سد آن بوده است که سطح آن را به اندازه‌ای بالا بیاورند تا بتوان از طریق مجرایی که قرار بود درکوه کارکنان در شرق به سمت زاینده رود ایجاد شود، آب اصفهان افزایش یابد.

بخش‌های نخست کارون بین رشته کوه‌های زرده‌کوه و زری^۱ به سمت جنوب شرق جریان دارد. سپس به سمت جنوب پیچیده و در حالی که آب شعبه‌هایی چند از شمال شرق که از بخش عمده ناحیه چهار محال سرچشمه می‌گیرند بدان ملحق می‌شود، از میان ارتفاعات زرده‌کوه عبور می‌کند. آنگاه با عبور ماریچ از میان رشته کوه‌های جنوب شرقی بختیاری آب رشته رودهایی دیگر را نیز چون آب بازفت و آب خرسان را که از حوزه کهگیلویه در جنوب شرق سرچشمه می‌گیرد، جذب می‌کند.^۲

۱. «زره» در تاریخ بختیاری (علیق‌خان سردار اسعد، ۱۳۸۳) ص ۱۰۵ [Zarri 1].

۲. آب سبزه کوه که از ناحیه سبزه کوه در چقاخور سرچشمه می‌گیرد نیز در دوتلان به کارون می‌ریزد.

رودکارون در محل التقای خود با آب خراسان به سمت شمال غرب جریان یافته، آنگاه پس از طی مسافتی در این جهت در شیلار^۱ رشته مهم دیگری موسوم به آب شیلار یا شیمبار^۲ از حوزه شمال غرب بدان می‌ریزد. از این مرحله به بعد کارون در مسیری پریپچ و خم به سمت غرب جریان یافته، در حالی که شعبه مهم دیگری نیز از شمال بدان می‌ریزد. آب شور - به طرف شوشتر و اهواز سرازیر می‌شود.

سرچشمه اصلی زاینده‌رود، چشمه دیمه واقع در پای رشته ارتفاعات کوهرنگ است. به علاوه در همین دیمه آب شوراب که بخشی از آن از دامنه شمالی کوه زری، از یک چشمه آب شور در حوالی قلعه امان‌الله سرچشمه می‌گیرد به زاینده رود جوان می‌ریزد. آب چشمه‌هایی چند که از دامنه شرقی کوه کارکنان و زهاب دامنه جنوب شرقی کوهرنگ سرچشمه می‌گیرند نیز تحت عنوان چم به آب شور می‌ریزند.

زاینده‌رود سپس به سمت شمال شرق جریان یافته و در این مسیر از طریق تنگ گزی رشته رودهای کوچکتری از کوه خوربه [گره] و کوه چوبین (چوبی) بدان می‌ریزد. قرار است که در آینده در این تنگه برای افزایش آب اصفهان و همچنین تولید برق، سدی ایجاد شود. زاینده‌رود پس از طی مسیری حدود سی مایل، بخشی از آب‌های جاری در فریدن را نیز جذب کرده و در این مقطع از خاک بختیاری خارج شده و به سمت اصفهان جریان می‌یابد.

آب بازفت که یکی از مهمترین رودهایی است که به کارون می‌ریزد از منتهی‌الیه شمال غربی کوه هفت تنان که در امتداد زرده کوه قرار دارد سرچشمه می‌گیرد. این رود در کنار دامنه غربی زرده کوه به سمت جنوب شرقی جریان یافته و در جنوب شرق شلیل به کارون می‌ریزد.

1. Shallar.

2. Shambar [شیمبار] سردار اسعد / ۱۲-۳۱۱]

آب گاوکان^۱ (گنداب) از رشته ارتفاعات کوه سفید سرچشمه می‌گیرد که حدود غربی فریدن را تشکیل می‌دهد. این رود سپس در جهت غرب جریان یافته و در نزدیکی ایستگاه تنگ پنج خط آهن سراسری به آب دز می‌ریزد. این رود با یکی دو شعبه مهم آب کوه‌های شمال غرب بختیاری را جمع می‌کند. در مورد منطقه‌ای که این رود در آن جریان دارد اطلاعات چندانی در دست نیست.

آب‌شور از حوزه‌های شمالی کارون و غرب کوه منار^۲ که دشت سردشت را نیز شامل می‌شود سرچشمه گرفته و در حوالی حوزه نفتی قلعه دختران به کارون می‌ریزد. آب آن همان‌گونه که از اسمش نیز بر می‌آید گوارا نیست.

آب ونک از غرب سمیرم سرچشمه گرفته و آب یکی از بخش‌های کوهستانی شرق بختیاری را که شمال سه دهستان یا جانکی سردسیر را نیز شامل می‌شود، جذب خود می‌کند. این رود در جنوب غرب دو پلان به کارون می‌ریزد.

آب و هوای بختیاری همان گونه که از تفاوت سطح ارتفاع مناطق مختلف آن از سطح دریا بر می‌آید، گوناگون و متنوع است. در بخش شرقی رشته کوه‌های اصلی بختیاری زمستان سخت است و در فاصله دسامبر تا مارس، کوه را حدود چهارماه برف و سرما فرا می‌گیرد. دره‌ها در فصل تابستان می‌تواند گرم باشد و در نقاطی که آب و کشت و کار نیز هست حشرات فراوانند. هوا خشک است. دشت‌ها و کوهپایه‌های طرف خوزستان در تابستان بسیار گرم و در زمستان هوای معتدلی دارند. در نواحی مرتفع در پاییز و بهار باران می‌بارد.

در مجموع پوشش گیاهی کوه‌های بختیاری کم و اندک است. بخش اصلی کوه‌ها صخره‌ای و فاقد گیاه می‌باشد. در نقاط مختلف دامنه‌هایی

1. Gaukan.

2. Munar.

خاکی که علف و بوته‌ای در خود دارند پیدا می‌شود که مرتع تابستانی عشایر محسوب می‌شد و همچنین قطعات کوچک زمین که به سختی و زحمت سنگ‌های آن جمع شده و اندکی گندم در آن‌ها کشت می‌شود. دره‌های کوهستانی معمولاً سبز و پرآب می‌باشند ولی خاک آن حاصلخیز نیست و بهترین محصولی که در آن‌ها به عمل می‌آید، ظاهراً کنگر^۱ است. در جنوب غربی کوه‌های اصلی بختیاری با توجه به هوای معتدلتر آن حدود، اراضی نسبتاً حاصلخیزتر بوده و در حدود بازفت که پاره‌ای از مراکز اسکان دائم عشایر را تشکیل می‌دهد اراضی مزروعی گسترده‌تری وجود دارد و در نقاطی هم که آب فراوانتر می‌باشد، برنج نیز به عمل می‌آید. در اثر این کمبود اراضی مزروعی تامین تدارکات تقریباً غیرممکن است و در نقاط دور از دسترس، مسافر باید تمامی مایحتاج خود را همراه داشته باشد.

کرزن در کتاب ایران و مسئله ایران در توصیف منطقه بختیاری می‌نویسد که این سرزمین را «... می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: یکی رشته‌های مرتفع جبال از ۸۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ پا ارتفاع با قله‌هایی که تا ۱۳۰۰۰ پا از سطح دریاست، سرچشمه رودخانه‌های بزرگی است از جمله آب دز در شمال و کارون و زنده‌رود و شاخه‌های آن‌ها در جنوب شرقی و جلگه‌هایی که در فواصل بین این رودخانه‌ها واقع است که به‌طور متوسط از ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ پا ارتفاع دارند. این است سرزمین واقعی بختیاری، در اینجا صحنه‌ای است که همه قسم مظاهر طبیعت را با هم دارد، مانند پرتگاه‌های پربرف، تپه‌های سخت و ناهموار، دریاچه‌های کوهستانی، سیلاب‌های مهیب و دره‌های عمیق که مراکز منطقه جنگلی که بیشتر از درختان بلوط ترکیب شده نیز دیده می‌شود. با این حال درختان برای هیزم و تهیه زغال بریده می‌شوند و در حال حاضر بخش‌هایی از این نقاط فاقد درخت هستند حال آن که گفته می‌شود که حدود ۷۰ تا ۱۰۰ سال

گذشته کل منطقه جنگلی بوده است. چهل سال پیش تعدادی درخت بلوط در حوالی ده کرد (شهرکرد) در چهار محال و در ساختمان‌های آنجا بلوط‌های بومی دیده می‌شد.

«در روستاهای حوزه‌های یکجانشین بختیاری در کنار گردو و درختان میوه و تاکستان‌ها، بیدستان‌هایی نیز دیده می‌شوند، هر چند که این درختان بیشتر در نواحی محفوظ و پوشیده به عمل می‌رسند. در نقاط کوهستانی بنا به دلایلی چون بدی خاک و سنگلاخ بودن منطقه و همچنین کمبود نیروی انسانی زراعت چندانی به عمل نمی‌آید. نیروی اصلی عشایر و خانواده‌های آن‌ها صرف رمه گردانی می‌شود. در اینجا و آنجا مقادیری گندم که در پاییز کشت می‌شوند، به صورت دیم به عمل می‌آید. در دره‌های کم ارتفاعتر دامنه‌های غربی کوه‌های اصلی بختیاری، ییلاق یا اقامتگاه‌های تابستانی ایلات است. در این حدود و سامان کشت و زرع محدود است؛ مردم فقیرند و گله‌داری یگانه وسیله تأمین معاش آن‌هاست. در زمستان برف سنگین می‌بارد و راه‌ها از هر سو بسته و ارتباط با جهان خارج قطع می‌شود. سپس دشت و دمن و جلگه‌های کوهستانی است و اراضی مرتفع از ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ پا و شیب‌های ملایمی به طرف رشته‌های رفیع است. این نواحی پست و پایین یا سراسر سال محل سکونت است یا در فصل زمستان پناهگاه افراد چادرنشین. در آنجا آب فراوان و زمین حاصلخیز است.»^۱

اگرچه بیش از پنجاه سال از تاریخ نگارش این شرح می‌گذرد ولی هنوز هم توصیف درستی محسوب می‌شود.

نقشه‌های موجود از منطقه بختیاری بسیار نادقیق می‌باشند. در

۱. به نقل از ترجمه فارسی کتاب ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، ۱۳۶۷، ج ۲، ج ۲، صص ۴۳ - ۳۴۲.

بسیاری از نقاط چاپ‌های متاخر این نقشه‌ها در قیاس با نقشه‌های سی یا چهل سال گذشته اشتباهات بیشتری دارند.

یادداشت. بخش ممی وند و فولادوند، چهارلنگ بختیاری در حوزه‌هایی واقع در شمال خط آهن سراسری ایران، بین ایستگاه‌های دورود و ازنا زندگی می‌کنند. آن‌ها یکجانشین شده‌اند. در حوزه چهارلنگ نیز در حدود دامنه‌های علیای رود گنداب (آب زَلَقی) و قلعه‌هما در شمال، مجامعی از بختیاری‌های یکجانشین وجود دارد.